

۱۴۵۴۳۷۲

حقوق بشر از نظر تا عمل

دکتر خدیجه پروین
دانشیار دانشگاه تهران



سرشناسه : پروین، خیرالله، ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : حقوق بشر از نظر تا عمل / خیرالله پروین
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۴۵۶ ص.
 فروست : نشر میزان؛ ۱۰۲۶. علوم اجتماعی
 شابک : 978-964-511-825-7
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۳۹.
 موضوع : حقوق بشر Human rights
 موضوع : حقوق بشر -- جنبه های مذهبی
 موضوع : Human rights -- Religious aspects :
 رده بندی کنگره : ۳۲۴۰/پ۴ ح۷ K
 رده بندی دیو : ۳۴۱/۴۸
 شماره کتابخانه : ۴۴۹۵۴۷۳

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ دستی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر غیرقانونی بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده موارد فوق، شماره تلفن های ذیل اطلاع دهید.

۱۰۲۶
 نشر میزان
 حقوق بشر از نظر تا عمل
 دکتر خیرالله پروین
 چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
 شمار: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۸۲۵-۵۱۱-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمنه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱۷

بخش اول: حقوق بشر و تحول آن در طول تاریخ

فصل اول: حقوق بشر در دوره باستان ۲۸

مبحث اول: حقوق بشر در عصر قدیم ۲۸

گفتار اول: وجود عرف و جمیع قایم ۳۱

گفتار دوم: ایجاد اولین قوانین بشری متناسب جرم و مجازات ۳۲

بند اول: معروف ترین مجموعه قوانین در عصر قدیم ۳۴

بند دوم: تفاوت بین قوانین تمدن های قدیم ۳۷

گفتار سوم: نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۳۹

بند اول: کوروش کبیر از نگاه صاحب نظران ۴۱

بند دوم: نگاه حکومت ها به حقوق بشر در مقایسه با دوره جاهل شر ۴۴

مبحث دوم: حقوق بشر در یونان و روم باستان ۴۶

گفتار اول: حقوق بشر در جامعه یونان ۴۶

بند اول: حقوق بشر از نگاه عقل گرایان و فلاسفه ۴۸

بند دوم: حقوق بشر از نگاه رواقیون ۵۱

گفتار دوم: حقوق بشر در جامعه روم ۵۵

فصل دوم: حقوق طبیعی ۵۸

مبحث اول: جایگاه و خاستگاه حقوق طبیعی ۵۸

گفتار اول: پیشینه تاریخی حقوق طبیعی ۵۸

- بند اول: حقوق طبیعی از دیدگاه مسیحیت..... ۵۸
- بند دوم: حقوق طبیعی از نگاه اندیشمندان..... ۵۹
- گفتار دوم: تعریف مفهوم حقوق طبیعی..... ۶۲
- گفتار سوم: مبنا، منشأ و ویژگی های حقوق طبیعی..... ۶۴
- بند اول: بنای حقوق طبیعی..... ۶۴
- بند دوم: قواعد و پایه های حقوق طبیعی..... ۶۵
- بند سوم: ویژگی های حقوق طبیعی..... ۶۶
- گفتار چهارم: اصول اولیه حقوق طبیعی..... ۶۷
- مبحث دوم: مکاتب حقوق طبیعی..... ۷۰
- گفتار اول: انواء مکاتب حقوق طبیعی..... ۷۰
- بند اول: مکتب حقوق طبیعی کلاسیک..... ۷۰
- بند دوم: مکتب حقوق وضعی یا تحقیقی..... ۷۱
- بند سوم: دیدگاه های حاصل از مکاتب حقوق طبیعی..... ۷۳
- الف) دیدگاه اصالت فر..... ۷۳
- ب) دیدگاه اصالت طبیعت..... ۷۸
- گفتار دوم: نقد و بررسی مکتب حقوق طبیعی..... ۸۱
- مبحث سوم: حقوق طبیعی از دیدگاه اسلام..... ۸۶
- گفتار اول: جایگاه حقوق طبیعی در اسلام..... ۸۶
- بند اول: حقوق طبیعی از نگاه صاحب نظران اسلام..... ۸۷
- بند دوم: ارزیابی دیدگاه بعضی از حقوق دانان معاصر در خصوص حقوق طبیعی از نگاه اسلام..... ۸۸
- گفتار دوم: ویژگی های حقوق طبیعی در اسلام..... ۹۲
- بند اول: ویژگی های حقوق طبیعی از دیدگاه اسلام..... ۹۲
- بند دوم: ویژگی های حقوق فطری از دیدگاه اسلام..... ۹۴
- فصل سوم: حقوق بشر از نگاه ادیان..... ۹۷
- مبحث اول: مبانی و مفاهیم دین..... ۹۹
- گفتار اول: تعریف دین..... ۹۹

۱۰۰.....	گفتار دوم: اهداف دین
۱۰۰.....	بند اول: شناخت انسان
۱۰۲.....	بند دوم: توجه به کرامت و سعادت انسان
۱۰۴.....	مبحث دوم: حقوق بشر در ادیان پیشین
۱۰۴.....	گفتار اول: حقوق بشر در دین زرتشت
۱۰۵.....	بند اول: آیین و اصول دین زرتشت
۱۰۵.....	بند دوم: نگاه دین زرتشت به انسان و حقوق او
۱۰۶.....	الف) آزادی اندیشه
۱۰۶.....	ب) آزادی در گزینش دین
۱۰۷.....	ج) آزادی گفتار
۱۰۷.....	د) آزادی در برگذاشت زن
۱۰۷.....	ه) امنیت برای همگان
۱۰۷.....	گفتار دوم: حقوق بشر در دین یهود
۱۰۸.....	بند اول: آیین و اصول دین یهود
۱۰۹.....	بند دوم: شأن انسان و حقوق بشر در دین یهود
۱۰۹.....	اول) ناسازگاری بین حقوق بشر معاصر و دین یهود
۱۰۹.....	الف) نابرابری بین یهود و غیریهود
۱۱۰.....	ب) قوانین جزایی و کیفری یهود
۱۱۱.....	دوم) تظاهر به سازگاری دین یهود با نظام حقوق بشر مدرن
۱۱۱.....	گفتار سوم: حقوق بشر و دین مسیحیت
۱۱۲.....	بند اول: اصول و آیین دین مسیحیت
۱۱۳.....	بند دوم: جایگاه انسان و حقوق بشر در دین مسیحیت
۱۱۴.....	بند سوم: حقوق بشر در عصر کلیسا
۱۱۶.....	مبحث سوم: حقوق بشر در اسلام
۱۱۷.....	گفتار اول: منابع و مبانی حقوق بشر در اسلام
۱۱۷.....	بند اول: منابع حقوق بشر در اسلام
۱۱۹.....	بند دوم: اصول و مبانی حقوق بشر در اسلام

- الف) خدا محوری..... ۱۲۱
- ب) عدالت محوری..... ۱۲۱
- ج) کرامت مداری..... ۱۲۲
- د) صلح مداری..... ۱۲۳
- هـ) شریعت محوری..... ۱۲۴
- و) حقیقت محوری..... ۱۲۴
- فصل چهارم: تحول حقوق بشر در غرب..... ۱۲۶
- مبحث اول: حقوق بشر از نگاه اندیشمندان غرب و اعلامیه‌ها..... ۱۲۷
- گفتار اول: حقوق بشر از نگاه اندیشمندان..... ۱۲۷
- بند اول: توماس هابز..... ۱۲۹
- بند دوم: جان لاک..... ۱۳۲
- بند سوم: مونتسکیو..... ۱۳۵
- بند چهارم: وولتر..... ۱۳۷
- بند پنجم: ژان ژاک روسو..... ۱۳۸
- بند ششم: گروسیوس..... ۱۴۱
- بند هفتم: دیگر اندیشمندان..... ۱۴۲
- بند هشتم: مقایسه نظریات بعضی اندیشمندان..... ۱۴۴
- بند نهم: انتقادات وارد بر نظریات قرارداد اجتماعی..... ۱۴۵
- گفتار دوم: صدور اعلامیه‌های حقوق..... ۱۴۶
- بند اول: صدور اعلامیه حقوق در انگلستان..... ۱۴۶
- بند دوم: صدور اعلامیه حقوق در آمریکا..... ۱۵۰
- بند سوم: صدور اعلامیه حقوق در فرانسه..... ۱۵۴
- مبحث دوم: روند تحولات حقوق بشر در قرن‌های نوزدهم و بیستم..... ۱۶۱
- گفتار اول: حقوق بشر قبل از جنگ جهانی اول..... ۱۶۱
- گفتار دوم: حقوق بشر بعد از جنگ جهانی اول (مابین دو جنگ)..... ۱۶۳
- گفتار سوم: حقوق بشر بعد از جنگ جهانی دوم..... ۱۶۵

بخش دوم: اصول و مبانی حقوق بشر در دوره معاصر

فصل اول: ماهیت و ریشه‌های فکری و فلسفی حقوق بشر معاصر.....	۱۷۲
مبحث اول: ریشه‌های فلسفی حقوق بشر.....	۱۷۲
مبحث دوم: ماهیت حقوق بشر معاصر.....	۱۷۴
گفتار اول: ماهیت انسان.....	۱۷۵
بند اول: تعریف انسان.....	۱۷۸
بند دوم: شناخت مفهوم انسان و بررسی ابعاد وجودی او.....	۱۷۹
الف) مفهوم انسان از دیدگاه مادی گرایان.....	۱۸۱
ب) مفهوم انسان در شریعت اسلامی.....	۱۹۸
ج) ترکیب انسان.....	۲۰۲
گفتار دوم: معنای مفهوم حق.....	۲۰۳
بند اول: معنای معنای اصطلاحی حق.....	۲۰۴
الف) از نظر لغوی.....	۲۰۴
ب) از نظر اصطلاحی.....	۲۰۵
بند دوم: تعریف حق.....	۲۰۸
الف) تعریف حق از نگاه دین و انسان.....	۲۰۸
ب) تعریف حق براساس دیدگاه‌ها.....	۲۱۰
ج) تعریف حق در پیوند دو معنی از حقوق.....	۲۱۳
بند سوم: پایه و اساس مفهوم حق.....	۲۱۴
بند چهارم: مقایسه مفهوم حق و مفاهیم مشابه.....	۲۱۵
بند پنجم: حق و امتیاز.....	۲۱۷
بند ششم: رابطه حق و تکلیف.....	۲۲۰
الف) حق و تکلیف تلازم یا تنافر.....	۲۲۱
ب) حقوق بشر حق محور یا تکلیف محور.....	۲۲۴
بند هفتم: خاستگاه حق.....	۲۲۵
بند هشتم: عناصر و ارکان حق.....	۲۲۶
بند نهم: لوازم حق.....	۲۲۷

- بند دهم: انواع حق ۲۲۸
- الف) حق به لحاظ منشأ و موضوع ۲۲۸
- ب) حق مادی و معنوی ۲۲۹
- ج) حقوق شخصی و نوعی (فطری و موضوعه) ۲۲۹
- مبحث سوم: مفهوم و تعریف حقوق بشر ۲۳۰
- گفتار اول: بیان دیدگاه‌ها در تعریف مفهوم حقوق بشر ۲۳۳
- بند اول: اجماع یا افتراق در تعریف حقوق بشر ۲۳۳
- بند دوم: تحلیل تعاریف مندرج در اسناد از حقوق بشر ۲۳۴
- گفتار دوم: تعریف حقوق بشر از نگاه صاحب نظران ۲۳۹
- گفتار سوم: تعریف برگزیده از حقوق بشر ۲۴۳
- مبحث چهارم: حقوق شهروندی ۲۴۳
- گفتار اول: مفهوم و تعریف حقوق شهروندی ۲۴۴
- بند اول: نسبت تاریخی شهروندی ۲۴۵
- بند دوم: مفهوم شهروندی ۲۴۸
- بند سوم: تعریف حقوق شهروندی ۲۵۰
- گفتار دوم: نسبت حقوق بشر و حقوق شهروندی ۲۵۱
- بند اول: اعم و اخص حقوق بشر و حقوق شهروندی ۲۵۲
- بند دوم: بیان دیدگاه‌ها در نسبت بین حقوق بشر و حقوق شهروندی ۲۵۴
- الف) دیدگاه تنافر ۲۵۴
- ب) دیدگاه عدم تنافر ۲۵۴
- مبحث پنجم: مبنا و منابع حقوق بشر در حقوق بین‌الملل ۲۵۶
- گفتار اول: مبنای حقوق بشر در حقوق بین‌الملل ۲۵۶
- بند اول: تعریف مبنا و ویژگی‌های آن ۲۵۷
- بند دوم: تحلیلی بر مبانی حقوق بشر غرب ۲۵۸
- گفتار دوم: منابع حقوق بشر در حقوق بین‌الملل ۲۵۹
- بند اول: اهمیت آشنایی با منابع حقوق بشر ۲۶۰
- بند دوم: انواع منابع حقوق بشر ۲۶۲

۲۶۲.....	الف) منابع بین‌المللی جهانی
۲۶۳.....	۱. منابع اصلی
۲۶۳.....	یک) منشور ملل متحد
۲۶۴.....	الف) نقش منشور در ارتباط با حقوق بشر
۲۶۵.....	ب) تحلیل نقش منشور ملل متحد در ارتباط با حقوق بشر
۲۶۷.....	دو) اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۷۰.....	الف) تفاوت اعلامیه جهانی حقوق بشر با اعلامیه‌های سنتی
۲۷۱.....	ب) تحلیل ادبیات اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۸۳.....	۲) آثار و نتایج اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۸۵.....	سه) میثاقین
۲۸۶.....	الف) ویژگی‌های میثاقین
۲۸۷.....	ب) ۱. بارها اجرای میثاقین و پروتکل‌ها
۲۸۷.....	۲. منابع فرعی
۲۸۸.....	ب) منابع منطقه‌ای
۲۸۸.....	مبحث ششم: اهداف نظام بین‌المللی حقوق بشر
۲۸۸.....	گفتار اول: حقوق بشر هدف یا ابزار
۲۸۹.....	گفتار دوم: تحلیلی از اهداف نظام بین‌المللی حقوق بشر
۲۹۲.....	فصل دوم: ارزیابی و سنجش حقوق بشر معاصر
۲۹۲.....	مبحث اول: توسعه و تحول در حقوق بشر
۲۹۳.....	گفتار اول: توسعه در حقوق بشر
۲۹۴.....	بند اول: منظور از توسعه حقوق بشر
۲۹۵.....	بند دوم: نتایج توسعه حقوق بشر
۲۹۶.....	گفتار دوم: تحولات در حقوق بشر
۲۹۶.....	بند اول: منظور از تحول
۲۹۷.....	بند دوم: مهم‌ترین تحول در حقوق بشر
۲۹۸.....	مبحث دوم: انواع قرائت‌ها از حقوق بشر
۲۹۹.....	گفتار اول: قرائت‌های غربی و شرقی از حقوق بشر

- بند اول: قرائت غربی و لیبرالی از حقوق بشر ۳۰۰
۱. وجود تفاوت دیدگاه‌ها در سطح منطقه‌ای ۳۰۳
- الف) قضیه هندی ساید ۳۰۴
- ب) برخورد نیروهای امنیتی انگلستان در ایرلند شمالی ۳۰۵
- ج) قضیه خانم دیان بریتی ۳۰۶
۲. وجود تفاوت دیدگاه‌ها در سطح سازمانهای بین‌المللی ۳۰۷
- بند دوم: قرائت شرقی و غیر لیبرالی از حقوق بشر ۳۰۸
- الف) قرائت‌های اسلامی از حقوق بشر ۳۱۰
- بند اول: قرائت گروه معتقد به ارزش‌های اسلامی ۳۱۳
- بند دوم: قرائت گروه متمایل به غرب ۳۱۴
- بند سوم: قرائت گروه میانه و نوگرا ۳۱۶
- بند چهارم: قرائت گروه سنت‌گرا ۳۱۹
- مبحث سوم: اصول بنیادین حقوق بشر ۳۲۱
- گفتار اول: اصول اولیه و اساس بشر ۳۲۲
- بند اول: اصول حقوق بنیادین مربوط به شخصیت انسان ۳۲۳
- اول) حق کرامت ۳۲۳
- دوم) حق حیات ۳۲۶
- سوم) ممنوعیت بندگی ۳۲۹
- چهارم) منع شکنجه و مجازات‌های سنگین ۳۳۰
- پنج) مساوات در حقوق بدون تبعیض نژادی ۳۳۱
- شش) برخورداری از شخصیت قانونی ۳۳۲
- هفتم) ممنوعیت بازداشت و رفتار ملالت آور ۳۳۲
- هشتم) حق دسترسی به مرجع قضایی و دادرسی منصفانه ۳۳۳
- نهم) قاعده اصل برائت ۳۳۵
- دهم) حرمت منزل و زندگی خصوصی ۳۳۶
- یازدهم) حق اقامت و رفت و آمد ۳۳۷
- دوازدهم) حق پناهندگی سیاسی ۳۳۸

بند دوم: اصول حقوق بنیادین مربوط به فکر و اندیشه انسان.....	۳۳۸
اول) حق برخورداری از آزادی دین و عقیده.....	۳۳۸
دوم) حق آزادی فکر و اندیشه.....	۳۴۱
سوم: حق آزادی آموزش.....	۳۴۳
چهارم) حق آزادی تشکیل تجمعات.....	۳۴۴
پنجم) حق آزادی تشکیل انجمن‌ها و پیوستن به آنها.....	۳۴۵
ششم) حق ازدواج و تشکیل خانواده:.....	۳۴۶
هفتم) حقوق مالکیت.....	۳۴۷
هشتم) حق مشارکت در اداره امور کشور.....	۳۴۷
نهم) حق داشتن تابعیت.....	۳۴۹
بند سوم: اصول حقوق بنیادین مرتبط به نیازها و فعالیت‌های انسان.....	۳۵۰
اول) حق نامین اجتماع.....	۳۵۰
دوم) حق کار کردن.....	۳۵۱
سوم) حق آزادی تجارت.....	۳۵۲
چهارم) حق مالکیت.....	۳۵۲
پنجم) حق مسکن.....	۳۵۳
گفتار دوم: اصل برابری.....	۳۵۳
بند اول: برابری مطلق و نسبی.....	۳۵۴
بند دوم: برابری قانونی و برابری عملی.....	۳۵۶
بند سوم: اقسام برابری.....	۳۵۸
۱. برابری در حقوق.....	۳۵۸
۲. برابری در مقابل قانون و وظایف عمومی.....	۳۶۴
مبحث چهارم: حمایت‌ها و ضمانت‌ها از حقوق بشر.....	۳۶۷
گفتار اول: ضمانت اجرای بین‌المللی.....	۳۶۹
بند اول: منشور.....	۳۷۰
بند دوم: در سایر اسناد بین‌المللی.....	۳۷۲
گفتار دوم: ضمانت اجرای داخلی.....	۳۷۳

- مبحث پنجم: حاکمیت دولت‌ها و حقوق بشر..... ۳۷۵
- گفتار اول: عدم دخالت در حاکمیت دولت‌ها..... ۳۷۵
- بند اول: مستندات بین‌المللی عدم مداخله..... ۳۷۵
- بند دوم: مفهوم حاکمیت، کلاسیک یا مدرن..... ۳۷۸
- گفتار دوم: مداخله نظامی و نحوه رفتار دولت‌ها با شهروندان خود..... ۳۷۹
- مبحث ششم: جهان‌شمولی حقوق بشر از واقعیت تا انکار..... ۳۸۱
- گفتار اول: جهان‌شمول بودن حقوق بشر..... ۳۸۲
- بند اول: دلایل جهان‌شمول بودن حقوق بشر..... ۳۸۳
- بند دوم: دیدگاه طرف‌داران جهان‌شمولی حقوق بشر..... ۳۸۴
- گفتار دوم: جریان تحول نبودن حقوق بشر..... ۳۸۵
- بند اول: دلایل جهان‌شمول نبودن حقوق بشر..... ۳۸۷
- بند دوم: دلایل مخالفت با جهان‌شمولی حقوق بشر..... ۳۹۰
- بند سوم: ایرادات وارده به جهان‌شمولی اعلامیه جهانی حقوق بشر..... ۳۹۱
- گفتار سوم: مراحل تفاوت جهان‌شمولی و راهکار مناسب..... ۳۹۶
- بند اول: مراحل تفاوت در جهان‌شمولی..... ۳۹۷
- بند دوم: راهکار مناسب جهان‌شمولی..... ۳۹۸
- مبحث هفتم: حقوق بشر و تنوع فرهنگی..... ۴۰۰
- گفتار اول: مفهوم تنوع فرهنگی..... ۴۰۲
- گفتار دوم: امکان سنجی حقوق فرهنگی..... ۴۰۳
- مبحث هشتم: علل و عوامل ناکارآمدی حقوق بشر معاصر..... ۴۰۴
- گفتار اول: علل و عوامل نظری ناکارآمدی حقوق بشر..... ۴۰۵
- بند اول: علل فلسفی..... ۴۰۵
- بند دوم: علل سیاسی و اقتصادی..... ۴۰۹
- بند سوم: عدم رعایت اهم و مهم در حقوق بشر..... ۴۱۲
- گفتار دوم: وجود معیارهای چندگانه..... ۴۱۵
- بند اول: معیارهای دوگانه، بعضی کشورها و سازمان‌های حقوق بشری..... ۴۱۵
- بند دوم: استانداردهای ناموزون و نابرابر در حقوق بشر..... ۴۱۸

بند سوم: ناکارآمدی سازوکارهای اجرایی حقوق بشر.....	۴۲۰
بند چهارم: ملاحظات سیاسی و گزینشی در حقوق بشر.....	۴۲۵
گفتار سوم: نابرابری‌ها و نابرخورداری‌ها در قدرت و ثروت.....	۴۲۶
بند اول: تمامیت خواهی دولت‌های بزرگ و ایدئولوژی‌های جهان‌گرایانه.....	۴۲۹
بند دوم: نابرابری کشورها در قدرت و ثروت.....	۴۳۰
بند سوم: سوء استفاده از حق در حقوق بین‌الملل.....	۴۳۱
بند چهارم: سخن آخر.....	۴۳۳
فهرست منابع و مآخذ.....	۴۳۹
۱. الف	۴۳۹
الف کتاب.....	۴۳۹
ب. ماله.....	۴۴۵
ج) پایان نامه.....	۴۴۶
د) تقریرات در.....	۴۴۶
ه) روزنامه‌ها و مجلات.....	۴۴۶
و) اسناد.....	۴۴۷
۲. عربی.....	۴۴۷
الف) کتاب.....	۴۴۷
ب) المقالات و الرسائل.....	۴۵۰
۳. لاتین.....	۴۵۱

سپاس خدایی را که سخنوران، در ستودن او بمانند
و شمارندگان، شمردن نعمتهای او ندانند
و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند.

سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان
(خار سه شعبه و گزنده) به سر بیرم و یا با غل و زنجیر
به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و
پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به
بعضی از بندگان خدا ستم نموده و به ناحق چیزی از اموال
عمومی را غصب کرده باشم.^۱

مقدمه

حقوق بشر جایگاه بسیار مهم و وسیعی در مطالعات حقوقی، سیاسی و اجتماعی دارد و
از جمله موضوعات مهمی است که مورد مطالعه فزاینده و حقوق دانان در رشته‌های
مهم حقوق و علوم سیاسی و محققان و پژوهشگران قرار می‌گیرد.
ظهور مقررات حقوق بشر به سبک و سیاق امروزی پدیده و وضعیتی نسبتاً جدید
است که در گذشته‌های نه چندان دور اثری از آن نبود. البته آثار زیادی از ادیان و از
جمله دین اسلام و از فلاسفه و انسان‌شناسان در اعصار قدیم و از جمله فیلسوفان رنسانس
به‌دست آمده است که در آنها ارزش و جایگاه و منزلت خاصی برای انسان قائل بوده‌اند
و انسان را از آن نظر که انسان است صرف‌نظر از هر نوع دین، نژاد، فرهنگ، رنگ،
جنس، سرزمین، دارای قرب و منزلت می‌دانسته‌اند. همین‌طور مقررات حقوق بشر تا
قبل از جنگ جهانی دوم در صلاحیت داخلی کشورها بود و صلاحیت داخلی کشورها
بر اساس معاهده و استثنائی شکل گرفته که در ارتباط با دولت‌های ملی و مبتنی بر
حاکمیت و اصل عدم مداخله بنیان گذاشته شده است. اما بعد از جنگ جهانی دوم و

تأسیس سازمان ملل و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر این وضعیت دگرگون شد و به گونه دیگری رقم خورد. کشتارها، قتل و تجاوزاتی که در دوران جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد و توهینی که به کرامت انسانی بشر صورت گرفت و فضای تیره و تاری که جنگ‌های خانمان‌سوز جهان ایجاد کرد، وجدان بشریت را بیدار نمود تا به فکر چاره جویی بیفتد و ارج و منزلت و حرمت آدمی را عینیت ببخشد و از جنگ و خونریزی بیزاری جوید. تعدادی از دولت‌ها در پاسخ به مخالفان این وضعیت که از مصلحان و انسان‌های طرف‌دار پاسدار حرمت انسانیت بودند به این فکر افتادند که نظامی را پایه ریزی کنند تا حرمت جان انسان‌ها را پاس بدارد.

لذا در مقدمه منشور ملل متحد انسان از لحاظ نظری بنیان‌گذار جامعه بین‌المللی لقب گرفت و منشور ملل متحد با نام مردم ملل متحد آغاز شد. در این منشور از ایمان به حقوق بشر، کرامت، حریت ذاتی و ارزش شخصیت انسان و انسانیت، برابری و آزادی و تساوی همه ملت‌ها اعتراف از کوچک و بزرگ سخن گفته شده است. در اسناد حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، کمیسیون حقوق بشر اروپایی و آفریقایی به صورتی دیگر از ارزش و کرامت انسانی سخن گفته شده و مورد تأکید قرار گرفته است و آن را اساس و پایه حقوق بشر می‌دانند. بنابراین یک نوع توافق اجماعی نسبت به حقوق بشر و کرامت او وجود دارد. در ابتدا هدف این بود هویت و کرامت انسان مستحکم و استوار بماند و راه بر دیدگاه‌هایی که انسان را تابع محض فضای اجتماعی به حساب می‌آورد سد شود و از آزادی، کرامت و شخصیت انسانی او محافظت به عمل آید و اجازه داده نشود تا قدرتمندان و صاحبان «زر» و «زور» با کرامت ضعیفان کمتر از مردم برخورد تحقیرانه‌ای داشته باشند.

لکن انسان در طول تاریخ طولانی‌ای که دارد چه در قدیم و چه در حال، پیوسته حقوقش انکار و به آن تجاوز شده است. در قدیم و زمانی که جوامع گرفتار بندگی بودند انسان ارزشی همانند کالا داشت، اما در دنیای معاصر محروم کردن انسان از حقوق ثابتش شکل دیگری از بندگی را به خود گرفته است، زیرا شرایط برخورداری از تمام حقوق انسان برایش در جامعه وجود ندارد یا به حقوقش تجاوز می‌شود یا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و یا قوانین آن را به رسمیت نمی‌شناسند.

نتیجه چنین وضعیت نابرابری آن است که انسان معاصر به محض اینکه حقوقش به رسمیت شناخته نشود و به حقوق ثابتش اعتراف نشود احساس می‌کند عضو بی‌خاصیت و بی‌فایده‌ای در جامعه است و نمی‌تواند نیازها و احتیاجات خود را برآورده کند. بدین ترتیب خواسته‌های مشروع او تحقق نمی‌یابد و از حقوقی که خداوند متعال به او بخشیده بهره‌مند نمی‌شود و نمی‌تواند خلیفه خدا در زمین باشد تا خداوند را به تنهایی پرستد و شریکی برای او قائل نشود، به او کفر نورزد، عادل باشد و ظلم نکند، صلح و امنیت و محبت را در جامعه برقرار کند، زمین را آباد کند، در زمین فساد نکند، علم بپارزد و نعمت‌های خالقش بهره‌مند شود، حقوق خویش را و حقوق همه کائنات و موجودات در زمین را بشناسد تا نسبت به آنچه با او عهد بسته شده بدعهدی نکند، چرا که در غیر این صورت در همین دنیا دچار خسران می‌شود و مهم‌ترین چیزی که موجب خسران شخص در دنیا می‌گردد عدم برقراری مساوات بین اشخاص در حقوق بنیادین است.

سؤالی که در این خصوص وجود دارد این است که آیا تفاوتی بین قرون نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم در خصوص حقوق بشر وجود دارد؟ اگر در قرون نوزدهم و بیستم کشتارها و قتل و تجاوزات اتفاق افتاد و به کرامت انسان توهین شد آیا از نیمه دوم قرن بیستم به بعد و قرن بیست‌ویکم دیگر این اتفاقات افتاد و حرمت انسان پاس داشته شد؟ یا اینکه همه آن اتفاقات دوباره تکرار شد ولی نوع آن فرق می‌کرد؟ واقعیت امر این است که این اتفاقات دوباره تکرار شد، اما اسفبارتر از گذشته و این دفعه به صورت مدرن اتفاق افتاد و همه وجود انسان از حیات گرفته تا کرامت و ارزشمندی او را هدف قرار داد. جنایاتی که اکنون اتفاق می‌افتد به نسبت گذشته مدرن‌تر و پیچیده‌تر است. آنچه داعش در حق انسان انجام می‌دهد از جنایات قرون وسطی بدتر است؛ در حالی که جهان (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) همه نظاره‌گرند و هیچ اقدامی برای جلوگیری از این همه جنایت انجام نمی‌دهند. در فضای تیره و تاریک کنونی جهان، آنچه بر علیه انسان صورت می‌گیرد از نقض حقوق بشر فراتر رفته و به جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی رسیده است. این وضعیت به غیر از اینکه بیانگر تفاوت بین نظر و عمل در حقوق بشر است چه می‌تواند باشد. این همه اسناد حقوق بشری که در گذشته نبود و حالا هست، این همه سازمان‌های حقوق بشری و کنوانسیون‌ها در سطح

منطقه و بین‌الملل که در گذشته نبود و اکنون وجود دارد و با این همه سر و صدایی که از جانب بعضی دولت‌ها نسبت به نقض حقوق بشر می‌شود، چرا هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد و جهان روز به روز شاهد جنایاتی است که بر علیه انسان اتفاق می‌افتد. آیا این وضعیت چیزی جز تفاوت آنچه راجع به حقوق بشر در نظر وجود دارد با آنچه به آن عمل می‌شود خواهد بود؟

حقوق بشر به علت تفاوتی که بین نظر و عمل در سطح بین‌المللی وجود دارد وضعیت مناسبی ندارد؛ نابرابری بیداد می‌کند و حقوق بشر به ابزار سیاسی و در دست زورمدان می‌بال گشته و آنچه در نظر راجع به حقوق بشر می‌گویند در عمل به آن صافی نیستند و نظر و عمل آنها با هم تفاوت دارد. در این راستا لازم است مطلبی از یکی از اندیشمندان که بی‌طرفانه در بحث حقوق بشر بیان شده و با عنوان و مضمون این کتاب همخوانی دارد، گویای تفاوت بین نظر و عمل است در این مقدمه مورد اشاره قرار گیرد. استاد مائو تسی تونگ، یکی از موحد در کتاب در هوای حق و عدالت می‌نویسد: «من در رویداد هولناک یانگ‌پینگ ۲۰۰۱ که تروریست‌ها به مرکز تجارت جهانی نیویورک و پنتاگون واشینگتن حمله بردند در امریکا بودم. امواج واکنشی که بر سر آن اتفاق حیرت‌انگیز سرتاسر امریکار، گرفت هنوز فرو نشسته بود. اما، واکنش تروریسم چون خود تروریسم کور و از عقل و حکمت به دور است. در این‌گونه گیرودارها اول چیزی که فراموش می‌شود حق و آزادی و عدالت و کرامت انسانی است. آن گل‌های لطیف و آسیب‌پذیر به آسانی در ترنانه‌های کینه‌توزی و انتقام‌جویی پایمال می‌گردند. برخی از دوستان چنین می‌پنداشتند واقعه‌ای چنان هولناک زجرانگیز امریکا را بیدار خواهد کرد و امیدوار بودند دولتی که تاکنون غارتگری و قلدری را آزموده است چندی نیز راه حق و عدالت و دوستی انسان‌ها را بیازماید. اگر زور و قدرت خود را تاکنون وقف افروختن آتش فتنه‌ها و راه‌اندازی کودتاها کرده است باری از این پس چنان نکند و به ویژه در سیاست خاورمیانه‌ای خود تعدیلی قائل شود. اما من دلم فتوا نمی‌داد که در این خوش‌بینی شریک باشم و می‌گفتم خشونت جز خشونت نمی‌آورد و از درخت زقوم میوه نجات بر نمی‌خیزد. اگر کار تروریست‌ها زشت و دل‌آزار بود واکنش آن نیز لاجرم چنان خواهد بود. دولت بوش از همان آغاز که هر گونه تنقید به هماهنگی با سازمان ملل متحد را در تعقیب و تنبیه تروریست‌ها مردود شمرد و

به یکه تازی برخاست ثابت کرد که خوش‌بینی دوستان چه قدر بی‌جا بود. اینک که من این سطور را می‌نویسم به دنبال سهمگین‌ترین و دهشتناک‌ترین باران بمب و آتش که در طول هفته‌ها شب و روز بر دشت و کوه و صحرای افغانستان فرو بارید دولت طالبان در هم شکسته و امریکا بدون آنکه منتظر تعیین سرنوشت رهبران طالبان و سران القاعده باشد سودای گسترش حملات در آفاق دیگر را در سر می‌پرورد و چه بسا که انسان‌های مظلوم و بی‌گناه در این طوفان بلا گرفتار آیند و این آسیاب خون که به گردش افتاده این زودی‌ها باز نایستد. من بارها وسوسه شدم که ورقی چند در پیرامون این ما را در ذیل کتاب بیفزایم،^۱ اما می‌بینم که هنوز زود است که چیزی در آن باره نوشته شود - رایند که دست دارم سخن سعدی را یادآور شوم که گفته است:

«روزگار حیف روا شد، برآینه داد مظلومان بدهد و دندان ظالمان بکند»^۲.

بنابراین تا زمانی که همه، چه در جمع جهانی و دولت‌ها و چه در سطح شخصی به حق خویش قانع نباشند و دنبال این اشتباه به آقا و سرور باشند و همیشه خود را آقا و بزرگ بدانند و کمترین حقی را برای دیدار به رسمیت نشناسند، به توهمات کاذب^۳ اعم از گذشته و حال گرفتار شوند و تصریح کنند آنها (دولت‌ها و اشخاص) هستند که صلاح و مصلحت همه را می‌دانند و همیشه آنها هستند که باید امر و نهی کنند امیدی به تحقق عملی حقوق بشر نخواهد بود.

همان‌طور که بیان شد در این کتاب به تفاوت بین نظر و عمل پرداخته‌ایم و ضمن بیان مفاهیم نظری در خصوص حقوق بشر تفاوت‌هایی را که در عمل رجوع دارد ذکر کرده‌ایم. ممکن است این سؤال پیش آید که مباحث مربوط به عمل کمتر از نظر است.

۱. پیش‌بینی ایشان کاملاً محقق شد و همگان شاهد بودند چگونه جنگ‌های بیرحمانه‌ای در خاورمیانه به راه افتاد که هنوز هم که هنوز است آتش آن شعله‌ور است. حمله به عراق و لیبی، جنگ در سوریه، جنگ اسرائیل در لبنان و فلسطین از نمونه‌هایی است که محقق محترم پیش‌بینی کردند.

۲. موحّد، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، ص ۲-۳.

۳. اگر این دولت‌ها و اشخاص توجه می‌کردند که این گونه نیست که مقامات و زمامداران برای همیشه در مسند قدرت باشند، بلکه به حکم طبیعت (مرگ) یا حکم جبر (سرنوشتی) از عرصه قدرت خارج می‌شوند شاید به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردند. شیخ اجل سعدی در این زمینه ایثانی دارد که درس عبرتی است برای همگان مخصوصاً کسانی که در عرصه قدرت قرار می‌گیرند:

جهان ای برادر نماند به کس	دل اندر جهان آفرین بند و بس
مکن تکیه بر ملک و دنیا و پشت	که بسیار چون تو پرورد و کشت
چو آهنگ رفتن کند جان پاک	چه بر تخت مردن چه بر روی خاک.

لازم است اعلام دارم که علاوه بر مباحثی که به صورت صریح و روشن به بیان عمل اختصاص یافته خود مباحث نظری به طور ضمنی بیانگران چیزی است که به صورت عملی تحقق یافته و یا فقط در حد بیان نظر و شعار باقی مانده است.

اینجانب به عنوانی کسی که خود قربانی نقض حقوق بشر بوده و در عنوان جوانی که شیرین ترین دوران عمر هر انسانی است از شیرینی جوانی بی بهره بوده و در سایه حمایت مدعیان حقوق بشر در بدترین شرایط روحی و جسمی قرار گرفته‌ام^۱ نسبت به حقوق بشر دغدغه دارم. به خاطر این تجربه تلخ و همانند خیلی‌های دیگر تشنه عدالت و آزادی و تحقق حقوق و آزادی‌های انسانی بوده و هستم و آرزو دارم تمامی انسان‌ها فارغ از هر نوع تفاوت غیر ارادی و موقعیت‌های اجتماعی به این هدف متعالی نزدیک شوند.

از آنجا که حقوق بشر همواره آوردگاه آراء و افکار و نظریات مختلف و متفاوت و بعضاً متعارض بوده است، لذا هدف اینجانب از این تحقیق ارزیابی نقادانه‌ای است تا به دور از هر گونه پیش‌داوری^۲ و تعصب و برای اعتلای حقوق بشر ارزیابی‌ای از حقوق بشر در نظر و عمل ماهر و گیرا تا که روشن شود چه اندازه نسبت به آنچه از حقوق بشر بیان شده عمل صورت گرفته است. هر گونه نقد از حقوق بشر به معنای تأیید نقض گسترده حقوق بشر رژیم‌های خردکامه و رفتار افراد ناقض حقوق و آزادی‌های انسانی که با خودسری تمام بی‌احسان به حقوق انسان‌ها هستند نیست. بسیار آسان بود که نگارنده شیوه و ادبیاتی را در پیش گیرد و تنها همان راه معروف و طریق مألوف و همه چیز را گل و بلبل نشان دهد تا نه تعجب را برانگیزد و نه زحمت و سختی راه نرفته را بر خود هموار سازد. اما به هر حال نگارنده کوشیده است در طرح مباحث علمی از تعصب دوری کند، چرا که در علم باید بی‌طرف بود، اما بی تفاوت بودن جایز نیست. در یک بحث علمی نه کثرت و زیادی گویندگان و قائلان به آن لزوماً اماره و نشانه پیروزی و ظفر و موفقیت است و نه قلت و کمی گویندگان و قائلان آن نشانه ضعف و سستی آن موضوع علمی است.

۱. وقتی گزارش جفایی که بر اینجانب و تعدادی از جوانان این کشور رفته بود در سازمان ملل قرائت شد (در هشتاد صفحه) عامل همه این رفتارهای غیر انسانی فقط به اظهار اینکه اشتباه شده و تجربه نداشتیم اکتفا کرد و هیچ گونه محکومیتی همه نسبت به ایشان صورت نگرفت.
۲. در یک بحث علمی نباید پیش‌داوری شود.

یک تفکر قوی به هر اندیشه تازه واردی خوشامد می‌گوید^۱ اما به شرط و شروطها و آن شرط هم این است که ضوابط علمی را رعایت کند. قطعاً عرصه بحث علمی، عرصه بحث و نقد است. آنچه به نقد تعلق می‌گیرد آراء و افکار است نه اشخاص و افراد.^۲ تفاوت دیدگاه‌ها سابقه‌ای به طول خلقت دارد. حضرت آدم نخستین خلقت خدا با همسرش در فضای وسیع بهشت با آزادی تمام به زندگی خویش مشغول بود، اما یک ممنوعیت و یک نهی زندگی فراختای آنها را به هم زد. آدم که عالم به همه اسماء بود یک نهی و ممنوعیت او را از اطاعت خدا باز داشت.^۳ حضرت آدم در حکمت نظری^۴ کجی و دانا بود و هزاران علم^۵ را در هر رگ خویش داشت.^۶ بدون شک یک فکر و اندیشه کاملاً ممکن نیست از موانع و پوسته‌ها خارج شود مگر در سایه وزیدن آزادی و برخورداری از نوآیی.

انجام این تحقیق^۷ به سفارش^۸ سازمان و یا مؤسسه‌ای نبوده است تا در قبال آن بر اساس رسم معمول و متداول مبتنی یافت شود و آنگاه استفاده‌ای مضاعف برای چاپ داشته باشم، بلکه حاصل سال‌ها تلاش و زحمت طی مطالعات، پژوهش و تدریس در دروس حقوق بشر دکتری و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران و سایر

۱. فیشر عبادی الذین آمنوا فیتبعون احسن.

۲. انظر الی مقال لانظر الی من قال.

۳. و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغدا حیث شتتما و لا تقر هذی الشجرة فتکونا من الظالمین (بقره، ۳۵).

۴. حکمت نظری نوعی اطلاع و آگاهی از دنیای اطراف خویش است و منظور قوا در مقررات است.

۵. بوالبشر کو علم الاسماء بگ است اسم هر چیزی چنان کآن چیز هست

این چنین آدم که نامش می‌برم

(یا) مدح این آدم که نامش می‌برم

این همه دانست و چون آمد قضا

کای عجب نهی از پس تحریم بود

۶. رجوع کنید به: کانونیان حکومت قانونی و جامعه مدنی، ص ۱۲۳ به بعد.

۷. تحقیق و پژوهش در تمام علوم از جایگاه والایی برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد در عصر دانایی محور، روشمندی و نیز مهارت آموزی از ابعاد بسیار مهم شخصیت دانشگاهیان به شمار می‌آید. وادی

پژوهش، دعوت به نقش آفرینی است. انسان‌های اندیشه ورز و روشمند، با سوز و گداز، بازیگر و فعال

صحنه زندگی اند و انسان‌های غافل، خمود و مقلد که از روش‌ها بهره‌ای نبرده‌اند، کهنه آموز و تماشاگرانی

منفعل هستند. انسان در زندگی روزمره و عادی خود، اگر به وضع موجود خو بگیرد و در چرخه تکرار و

آرامش طلبی حرکت کند، به سر منزل نخواهد رسید. برای اتصال جویبار اندیشه باید با آب‌های آزاد حرکت کرد و گرنه از جویبار حقیری که به چاله‌ای می‌ریزد، کسی مروارید صید نخواهد کرد. (ر.ک به: میرزائی،

حمیدرضا، روش تحقیق مفاهیم کلیدی و نکات کلیدی برای مدرسان، پژوهشگران و دانشجویان، شایسته گستر، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

مؤسسات آموزش عالی بوده است. در این راستا توان و بضاعت علمی اندک خود را با پشتکار بسیار همراه کرده و با مراجع به منابع مختلف و متفاوت و دیدگاه‌های بعضاً متضاد تحقیق خود را با مسلمات علمی و تاریخی ابثنا نموده‌ام. ذکر این نکته لازم است که زندگی از راه پژوهش و تدریس در دانشگاه برای کسانی که پشتشان به مال و جایگاهی گرم نیست، کاری بسیار سخت و دشوار است و بدون تردید اگر «غم نان» نبود و فراغت بیشتری در اختیار بود سال‌ها پیش، این اثر را تقدیم می‌کردم و چه بسا کتاب‌های دیگری که از سال‌ها پیش برای آنها زحمت کشیده‌ام تاکنون به جامعه علمی کشور تقدیم می‌داشتم. هرچند زندگی از راه معلمی برای اکثریت این قشر ارجمند مشکل است، ولی کسی که کسوت معلمی را در برمی‌کند باید با افتخار به الزامات آن پایبند باشد و آن را جایگاهی پیش پا افتاده و ضعیف به حساب نیاورد و از آن به‌عنوان سکوی پرتاب برای اعمال و آرزوهای دیگر استفاده نکند و از کارهایی که شأن معلمی را زیر سؤال می‌برد پرهیز کند. البته تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور هم باید به گونه‌ای با این قشر عظیم رفتار کنند تا آنها دنبال این نباشند که تأمین زندگی و عزت و احترام خود را در جایی دیگر جستجو کنند.

ساختار این تحقیق مشتمل بر سه بخش است، بخش اول به بررسی ریشه‌های حقوق بشر و چگونگی تحول آن در طول تاریخ اختصاص دارد. این بخش خود دارای چهار فصل است. در فصل اول حقوق بشر در دوره باستان، در فصل دوم حقوق طبیعی، در فصل سوم حقوق بشر از نگاه ادیان و در فصل چهارم تحول حقوق بشر در غرب مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم اصول و مبانی حقوق بشر در دوره معاصر بررسی شده است. این بخش نیز مشتمل بر دو فصل است. در فصل اول ماهیت و ریشه‌های فکری و فلسفی حقوق بشر معاصر و در فصل دوم ارزیابی و سنجش حقوق بشر معاصر بیان گردیده است.

این کتاب علاوه بر اینکه برای عموم قابل استفاده و بهره‌برداری است برای درس «حقوق بشر» دانشجویان دکتری در تمامی رشته‌ها و دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق بشر تألیف شده است. لازم است از تمامی اندیشمندان و سایر عزیزانی که اینجانب را در تدوین و تکمیل این اثر تشویق نمودند و نکات ارزشمندی را یادآوری کردند تشکر و تقدیر نمایم. امیدوارم اهل علم (اساتید، محققان و پژوهشگران، دانشجویان و غیره)

خطاها و کاستی‌ها را هرچند کم و اندک گوشزد کنند، چرا که به قول یکی از محققان:^۱
 آنان که «اهل یافتن» اند^۲ نه اهل «یافتن» همان کسانی هستند که متواضعانه معترف‌اند:
 حقیقتی را یافته‌اند نه کل حقیقت را و به قولی دیگر یک محقق متعهد و توانا در تمام
 مراحل تحقیق به فکر آزمون فرضیه خود است، نه اثبات آن.

در پایان امیدوار به فضل الهی تا که این تحقیق از بوته آزمون سرافراز به درآید زیرا
 برای موفقیت این پژوهش بضاعت علمی اندک خویش را با تلاش و کوشش بسیار
 همراه با رنج، بر خوردم و هموار ساخته‌ام.

شکریان نثار دهم آن که توفیق را رفیق را هم ساخت.

خیرالله پروین

تاسستان ۱۳۹۵ و اسکنده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱. جبران خلیل جبران

۲. عصر حاضر با گذر از الگوی «قدرت محور» ثروت محور و حتی اطلاعات محور به الگوی دانش بنیاد رسیده است که در آن دانایی توانایی است. و به قول سعدی هر که توانا بود دانا بود و دانش دل پیر برنا بود. در چنین چشم اندازی، نماد علم مخصوصاً در بحث قانون رسانی بس سنگین پیدا می‌نماید، چرا که بنیاد رشد و توسعه ملی هر کشوری به یستر دانش گذارده شده است و معنای این راهبرد، توجه و اهتمامی دو چندان به مقوله دانش، جهت اهداف ملی است. علم، اتکاء به نفس، استقلال خواهی، معنویت طلبی و آزادی خواهی در اندیشه و عمل را به همراه دارد و سبب ایجاد و احیاء تمدن ایرانی اسلامی با توجه به توانمندی‌ها و داشته‌های بومی و ملی خواهد شد که رسالت بزرگ خود را تسلط گفتمان علم و دانایی محوری معرفی می‌کند. علم مایه قدرت است العلم السلطان و من وجده صالح اگر دانستید می‌توانید سخن برتر داشته باشید اگر نداشتید نمی‌توانید. و من نام لم ینام عنه